

عنوان مقاله:

ابن سینا در چالش با نظریه مثل افلاطون

محل انتشار:

دوفصلنامه حکمت سینوی (مشکوه النور)، دوره 11، شماره 38 (سال: 1386)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسنده:

زهره توازیانی - استادیار دانشگاه الزهراء، مدیر گروه دانشگاه الزهراء

خلاصه مقاله:

یکی از نظریاتی که به طور جدی، ابن سینا، آن را به چالش کشیده است، نظریه مثلافلاطونی است، یقینا وقتی افلاطون به طراحی چنین نظریه ای می پرداخت گمان جدی اشاین بود که بدان وسیله می تواند پیدایی عالم محسوسات را با نظر به ناپایداری آن و قابلشناخت نبودن یقینی آن، توجیه کند. ابن سینا، از جمله حکیمانی است که نظریه مثل افلاطونی را ارزیابی منفی کرده و آشکارا آن را منسوب به دوران خامی و ناپختگی اندیشه یونانی دانسته است و این درحالی است که ستایش خود را از فیلسوف دیگری که معاصر و شاگرد بزرگ افلاطون، یعنی ارسطو بوده، پوشیده نمی دارد. او به صراحت اعتقاد به مثل را ناشی از جهل، دانسته است. به گمان وی چنین نظریه ای مستظهر به منطق قوی استدلالی و برهانی نیست. بخشی از آثار مهم ابن سینا به نقد و بررسی این نظریه اختصاص داده شده است که از جمله آن می توان به مقاله هفتم الهیات شفا اشاره کرد. نگارنده مقاله درصدد است با عنایت به ساختار کلی نظریه مثل در اندیشه افلاطون و صورت تقریر یافته آن نزد ابن سینا، نشان دهد که چرا بر خلاف فیلسوفان مسلمان دیگر هم چون شیخ اشراق و ملاصدرا، نظریه ابن سینا قابل به نارسایی آن در تبیین نظام پیدایی عالم بوده است. به این منظور سعی می شود تا با بررسی آرای مکتوب افلاطون، و دریافت ابن سینا از آن نظریه، نشان داده شود که نقد فلسفی ابن سینا تا چه اندازه موجه بوده است.

کلمات کلیدی:

ابن سینا، ارسطو، افلاطون، مثل، علیت، شناسایی، موجود مفارق، عالم محسوسات

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/808717>

